

معرفه المهدی (جلسه ۳۵)

یک بحثی را از دفعه قبل خدمتتان شروع کردیم و این بحث خیلی مهم است، که در بحث علم زمان ظهور حضرت که ما هرچقدر در ظهور قیامت و رجعت و ظهور حضرت باشیم که انشاءالله شاهد ظهور باشیم، و این اتفاقات گرچه اتفاقات تلخیصیست که امروزه می‌افتد و به قولی دارد دل همه ما روی‌ترکند و به درد می‌آورد، ولی این را بدانید که نکته مهم قصه این است که هرچقدر شیطنت شیطان در عالم بالاتر می‌رود، این گواهی‌ایست بر اینکه الوهیت و عبودیت دارد بالا می‌رود! این یک نکته بسیار مهمیست که این وضعیت دارد کار را به انتها می‌رساند، اینکه «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» که به نظام ادراکی برمی‌گردد، اتفاقاً به بحث این جلسات اخیری که باهم داریم برمی‌گردد، که تمام بحث‌هایی که ظلم است یا عدل است خیلی وقت‌ها به ادراکات ظلم و عدل بستگی دارد، اگر من نفهمم کما اینکه من نمی‌فهمم امروز چه ندارم، وقتی که نمی‌دانم چه ندارم لذا خیلی الم و دردی هم به من نمی‌گیرد، ولی وقتی که می‌روم در قیامت و آنجا می‌گویم «يَا حَسْرَتَا عَلَيَّ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ» ای حسرت که در کنار خدا، این دلیلی بر این است که من نظام ادراکی‌ام نظام کامل‌تری شده، من وقتی که نظام ادراکی‌ام کامل‌تر می‌شود می‌گویم (يَا حَسْرَتَا عَلَيَّ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) اگر در ادعیه ائمه علیهم السلام این مقدار عجز و لابه وجود دارد اتفاقاً بخاطر نظام ادراکی‌شان است، در نظام ادراکی این‌گونه است، برای همین است که در جانب ثوابش و در جانب الم و دردش اینجوری است که هرچقدر حس انسان قوی‌تر می‌شود نظام لذت و المش تقویت می‌شود، برای همین است که اگر بخواهند یک نفری را عمل جراحی کنند حسش را از او می‌گیرند یعنی او را بی حس می‌کنند، که بتوانند ببرند و از آن طرف هم او نفهمد، این نظام لذت و الم به یک نظام ادراک برمی‌گردد.

و چنانچه در زمان ظهور این حرف‌های ادراکی وسیع را زدند، آنجایی که شیطنت شیطان پایین می‌آید و کار نمی‌کند، دیگر انسان می‌تواند همینجوری با توانایی خودش ارتباطات برقرار کند، یک قاعده‌ای هست که شیطان یک حالت اصطکاک دارد، در حقیقت اصطکاک ایجاد می‌کند، اگر مثل این موشک‌هایی که به آن می‌گویند موشک بالستیک، خاصیت موشک‌های بالستیک این است که از جو خارج می‌شود، اگر این همه خرج موشک می‌کنند بخاطر این است که بتواند بر اصطکاک‌ها غلبه پیدا کند، وقتی که بر اصطکاک غلبه پیدا می‌کند، اگر رفت و از جو خارج شد به عبارتی از عالم اصطکاک خارج شد، اگر خارج شد دیگر همینجوری با سرعت حرکت می‌کند و با همان سرعت بی اصطکاک و بی‌خرج و بدون زحمت دارد این کار را انجام می‌دهد. در نظام خود اهل بیت هم این نکته مهم است که خود اهل بیت هم به هرجهت به دلیل اینکه ماها در کنارشان هستیم، «وَ ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» اصطکاک‌هایی به آن‌ها هم می‌رسید، یعنی بالاخره آن‌ها هم مشمول یکسری اصطکاک می‌شوند، برای همین است که خیلی باید تلاش زیادی کنند، ولی اگر از اصطکاک شیطان خارج شد انسان دیگر آن فضای قبلی را ندارد.

اینکه در نظام علم گفتند از ۲۷ حرف علم تا ظهور دو حرف علم آمده و ۲۵ حرف دیگر که در ظهور می‌آید، این نکته را دقت کنید که ظهور را بند به علم کرده‌اند، و من این را خدمتتان عرض کردم که شما «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یا آن کسی که «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» داشت که جلسه گذشته عرض کردم، در ظهور شخصی و همه ۲۷ علم می‌شود رسید کما اینکه رسیدن، اینکه گفته می‌شود که در زمان ظهور چنین می‌شود، به معنای این است که عادی می‌شود و فراگیر، به این معنا نیست که کسی نمی‌تواند به آن حد برسد، اصلاً وقتی که می‌گویند در زمان ظهور یک اتفاق می‌افتد، یعنی اینکه پتانسیل و قوه و قابلیتش همین امروز هست! اصلاً معنی‌اش یعنی این که امام کسی است که اتفاقاً به من (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) او علم کتاب را دارد، یعنی منتهای علم را دارد، (به همه علوم حالا من انشاءالله آن تحلیل ادراک علم را خواهم گفت) اول باید ماهیت علم را ادراک کنیم چون بر طبق ادراک ماهیت علم است که ما می‌توانیم بگوییم این ۲۷ حرف علم، (نه ۲۷ علم ۲۷ "حرف" علم) یعنی ۲۷ حرف است، این هم خودش در بحث یک معنی دارد که این بحث‌ها باید در فضاهای بحث‌های عرفانی یک مقداری دنبال شود؛ در شایع شدنش این اتفاق می‌افتد وگرنه همین الانش هم در فرج شخصی که اتفاق بیفتد و شخص به ملکیت امام در بیاید همین اتفاق می‌افتد، امروزه هم کسانی دارند ولی دسترسی به ملکوت و از علت پی به معلول بردن، نه از معلول

پی به علت بردن، چون از معلول پی به علت بردن در حد معلول می‌ایستد نه در حد علت، ولی وقتی که ملکوت را نگاه کند و به عالم امر سری بزند، پی به خلق می‌برد به واسطه اینکه پی به ملکوت برده است.

آن آیه معروف (سوره مبارکه ق) را نگاه کنید، این آیات در مورد قیامت است ولی ما عرض کردیم قیامت و رجعت و ظهور دقیقاً لبه‌های سه‌گانه یک حقیقت هستند، آن ظهور توحید، همانطور که در قیامت دارد که «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» یعنی دارد سوال می‌کند ولی دیگر جواب دهنده‌ای نیست، یعنی انقدر توحید ظهور کرده (لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ) اصلاً این‌گونه نیست که «فَقُلْ لِلَّهِ» یا «قَالُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» اصلاً کسی دیگر نمانده، اگر انسان به این پایه و مایه برسد که خودش دیگر چیزی نباشد، همه عالم هم همین حالت را داشته باشند، در روز قیامت می‌شود توحید محض، می‌شود (لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ) حالا نگاه کنید آن چیزی که در قیامت هست این آیه ق است، دارد که «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ» ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ» آن روز تهدید است «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» در آن روزی که می‌آید یک سوق دهنده‌ای او را به محشر می‌برد و همانی که سوق می‌دهد شاهد است، که حالا باید این‌ها را یک موقعی با سوره زمر «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» عرض کنیم، بعد می‌گوید «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ» به او می‌گویند که تو در یک غفلتی بی‌خبری بودی «مِنْ هَذَا» بی‌خبری و غفلت «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» ما غطاء را از روی تو برداشتیم، پرده را از روی تو برداشتیم، این (فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) و غفلت زدایی نتیجه چیست؟ نتیجه این است که یک غطائی از روی انسان برداشته می‌شود، وقتی که غطاء از روی انسان برداشته می‌شود چشم طرف تیز و نظام ادراکی اش قوی می‌شود، لذا نظام ادراکی هم در بهشت هم در جهنم به شدت قوی است، به دلیل اینکه (فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ)

در روایت دارد (کافی جلد ۸، صفحه ۲۴۱) راوی می‌گوید من از امام صادق (ع) شنیدم «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ اللَّهُ أَكْبَرُ» وقتی که قائم ظهور می‌کند خدا برای شیعیان ما (مَدَّ اللَّهُ) یعنی توسعه اسماء و ابصار می‌دهد، یعنی همینجوری بیشتر می‌بینند، «حَتَّى (لَا) يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ» انقدری که بین آن‌ها و بین حضرت هیچ چاپار و پستی‌ای نیست، هیچ نیست نه اینکه پیامک هست، هیچ پستی‌ای وجود ندارد ولو صفحه مجازی، «(لَا) يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ» حضرت به آن‌ها صحبت می‌کند و آن‌ها می‌شنوند «وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ» حضرت در مکان خودش هست و این‌ها دارند به او نظر می‌کنند؛ در کافی شریف دارد که (إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ) وقتی قائم ما قیام می‌کند و بلند می‌شود (مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ) خیلی نکته جالبی است، یعنی خدا اسماء و ابصار شیعیان ما را تمدید می‌کند و کش می‌دهد، یعنی عمق نفوذ را زیاد می‌کند، (حَتَّى (لَا) يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ) تا آنجایی که بین آن‌ها و قائم پستی و چاپاری نیست، حتی پیامک و فضای مجازی هم بین آن‌ها نیست، یعنی در نظام علم اصلاً بحث در این حد نیست، می‌گویند شیعیان بین همه آزاد است این بحث شیعه و مومن و این‌ها ندارد، بحث فجار و کفار هم امروزه می‌توانند همین کار را بکنند، بین این‌ها هیچ برید و پستی‌ای نیست، (يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ) حضرت با آن‌ها صحبت می‌کند آن‌ها هم می‌شنوند، (وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ) نگاه می‌کنند در حالی که او در مکانش هست، یعنی به او نگاه می‌کنند و حال آنکه در مکان خودش است، یعنی بحث این است که وقتی حضرت با این‌ها تکلم می‌کند این‌ها می‌شنوند و حضرت را می‌بینند در حالی که حضرت سر جای خودش است، این قابلیت آدم است، اصلاً این موضوع علم است، چون که (فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ) این غطاء برداشته شده.

اینکه دارد «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» شما (سوره مبارکه اعراف آیه ۱۸۵، سوره مبارکه یس آیه ۸۳) را نگاه کنید، ببینید وقتی که شما و انسان اولاً این توقع هست، چرا خدا توقع دارد کاری را که به حضرت ابراهیم کرده با ما بکند؟ آنجا دارد (كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) اینجا می‌گوید «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» چرا در ملکوت آسمان‌ها و زمین نگاه نمی‌کنند؟ چرا در ملکوت نگاه نمی‌کنید؟ که شما وقتی در ملکوت نگاه کنید «وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ» اینکه می‌گویم سیر از علت به معلول می‌رود این‌گونه می‌شود، کسی که در ملکوت نگاه کند او خلق را می‌بیند منتها از زاویه دید ملکوت می‌بیند، این‌ها خیلی حرف است، یا مثلاً در سوره مبارکه یس ببینید که ملکوت یعنی چه خبر است، دارد

که «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» این می‌شود عالم امر «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» (مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ) می‌شود همان عالم امر، که عالم امر مقدم بر عالم خلق است که مراتب هم دارد، این ملکوت باطن همین عالم خلق است، که نه فقط عالم ماده بلکه عوالم خلقی حتی عوالم مربوط به ملائکه، یعنی ببینید آدم تا کجا قرار است بالا برود! و تا کجا می‌تواند بالا برود، ادراکاتش به چه سرحدی می‌رسد، آن چیزی که برای انبیاء نظام اتفاق می‌افتاد اتفاقاً برای مومنین شایعاً اتفاق می‌افتد.

برای همین است ما داریم که اگر این شیطان در شما نباشد و در شما تمریج نکند، شما هم به ملکوت نگاه می‌کنید، الان مشکل اصطکاک شیطان دارید، مشکل اصطکاک شیاطین دارید، که عرض کردم شیاطین هرچقدر اصطکاکشان بیشتر می‌شود یعنی دارد نشان از قابلیت بزرگ ما می‌دهد، برای همین است که برای غزه و فلسطین و این‌ها، درست است این مظلومیت‌ها را گزارش کردند و مانور دادند اما به این هم پردازید که این یعنی رفته رفته فاتحه طرف دارد خوانده می‌شود، یعنی با این شدت ادراک، مگر فکر می‌کنید که روزگاری بوده که این اتفاق نمی‌افتاده؟ در همه عالم بوده و این اتفاقات می‌افتاده و بدتر از این‌ها هم اتفاقات می‌افتاده! امروزه روز ادراک شده، یعنی ادراکات دارد بالا می‌رود، همین فضای مجازی که خودشان درست کردند قبرستان خودشان می‌شود، همان آتشی که درست کردند «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِنِّي آتِسُ» می‌شود و بعد این آتش به جان خودشان می‌افتد، ببینید ادراکات دارد بالا می‌رود، لذا یک حالت مظلومیت مقتدرانه را گزارش کنید و توبیت بزنید و همه این چیزها، انقدر واکنش نشان دهید و وقتی تجمع می‌کنید همان اتفاق که برای سیدالشهدا افتاد که مظلوم مقتدر بود، اینجا هم همین گزارش است و باید همین گزارش باشد، این‌ها مظلوم مقتدر هستند، این باید به جامعه ایمانی برسد که این‌ها انشاءالله در نفس‌های آخرشان هستند.